

«بسم الله الرحمن الرحيم»

سرچشمه های حکمت

کتابی برای جان های بی قرار

شامل ۴۲۰۰ سخن

حکیمانه، غیر تکراری

نویسنده: ابراهیم والی دراجیان



سرشناسه	: والی دراجیان، ابراهیم، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور	: سرچشمه‌های حکمت: کتابی برای جان‌های بی‌قرار شامل ۴۲۰۰ سخن حکیمانه، غیر تکراری/نویسنده ابراهیم والی دراجیان.
مشخصات نشر	: تهران: جاجرمی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۰ ص.
شابک	: 978-964-2928-59-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: راه و رسم زندگی -- کلمات قصار
موضوع	: نکته‌گویی‌ها و گزینه‌گویی‌ها
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۲و۲/ ۶۰۸۴PN
رده بندی دیویی	: ۸۰۸/۸۸۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۹۴۲۴۰



انتارن جاجرمی

خیابان انقلاب - خیابان ابوریحان - خیابان وحید نظری - نویسنده به دانشگاه - پلاک ۳۰ - طبقه همکف
تلفن: ۶۶۹۷ ۳۸۲۱ - ۶۶۹۷ ۳۸۲۰ - ۶۶۹۷ ۴۵۰۲ - فکس: ۶۶۴۶ ۶۷۷۸

■ سرچشمه‌های حکمت ■

کتابی برای جان‌های بی‌قرار

شامل ۴۲۰۰ سخن حکیمانه، غیر تکراری

نویسنده: ابراهیم والی دراجیان

چاپ: آبان

صفحه آرای و طرح جلد: ستاره لیلازی

صحافی: صاحب الزمان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

تیراژ: ۸۰۰ جلد

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

شابک: ۰ - ۵۹ - ۲۹۲۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸ *** ۰ - ۵۹ - ۲۹۲۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN: 978 - 964 - 2928 - 59 - 0

مقدمه

انسان از دیرباز نیازمند کسی یا چیزی بوده که او را در رسیدن به راه درست نیکی رهنمون سازد و دروازه کمال و رستگاری را به او نشان دهد و او را از لغزش و انحراف باز دارد.

در عصر حاضر - به خصوص - با رویکرد انسان به علایق مادی و غرق شدن در آن و کنار گذاشتن نیازهای معنوی و روحی، تقریباً مفاهیم اخلاقی دگرگون شده و مفاهیم صرفاً مادی جایگزین آن گشته است و دیگر صدایی از فراسوی دیدگان، به گوش نمی‌رسد.

انسان از بدو پیدایش بر روی زمین در جستجوی سعادت و رسیدن به خیر و نیکی در معانی متعدد آن بوده و برای دست یافتن به آن در شکل‌ها و حالت‌های گوناگون سعی و تلاش فراوان کرده است که یکی از این حالت‌ها، ارائه‌ی نوشته‌های «مکتوب» یا گفته‌های «شفاهی» به فرزندان یا عامه‌ی مردم، یا گروه و دسته‌ی خاصی توسط شخصی، جهت انجام بعضی رفتارهای اخلاقی و پرهیز از برخی از رفتارهای غیراخلاقی بوده است.

معمولاً این مجموعه‌ها با چنین ویژگی‌هایی، حاصل تجربه‌های ذهنی و عملی فرد و جنبه‌ی شخصی دارند و گوینده یا نویسنده از خلال ارائه‌ی آنها، سعی در بهبود وضعیت زندگی و رسیدن به سعادت را به شنونده یا خواننده‌ی خود دارد و به زعم خود، آن چه که شایسته و بایسته است را به او بنمایاند. پس آنها را در قالب مجموعه‌ای ارائه می‌دهد.

نوشتن مجموعه‌های پندآمیز و حکمت و اندرز در نزد تمامی انسان‌ها و ملل با وجود اختلافات فرهنگی، زبانی و محیطی وجود داشته و دارد؛ هر چند که معمولاً تمامی این مجموعه‌ها ویژگی‌ها و صفات مشترکی را دارا هستند. همانند کوتاهی سخن و به کارگیری الفاظ اندک، اشاره به مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و دستورهای زندگی، داشتن ساختاری روان و محکم، استفاده از معانی ضمنی و کنایی، داشتن زبانی نزدیک زبان کاربردی مردم، و ...

اما مهمترین ویژگی سخنان حکیمانه و پندآمیز این است که آنها حاصل تجربیات شخصی فرد است و فرد از خلال ارتباطش با جامعه یا از راه بحث،

تحقیق و تفحص بدان رسیده است. پس چه بسا جمله یا عبارتی، نتیجه‌ای به بار آورد که بسیاری از کتاب‌ها از انجام آن عاجز بوده‌اند.

بسیار پیش آمده که سخنی حکیمانه از شخصی، چنان برشونده یا خواننده تأثیر گذار بوده که به لطف آن حکمت، زندگی پیشین فرد دستخوش تغییر گشته است. ای کاش هر انسانی به حکمت، سخن یا پندی مسلح می‌بود و سعی در به تحقق رساندن آن می‌کرد.

اما این مجموعه‌ی پیش رو، همان طور که اشارت رفت، حاصل تجربیات شخص نویسنده است که کوشیده هر یک از عبارت آن را با مراعات مقتضی حال و به منظوری خاص بیان کند و در حقیقت هر جمله‌ی ذکر شده در این کتاب، مبین حال، اندیشه و تفکرات شخص نویسنده است. هر چند که ممکن است به سبب تداعی معانی در ذهن، خواننده عبارتی آشنا و نزدیک به درون و اندیشه‌اش بیاید.

در این مجموعه می‌توان عبارات و سخنان نیکو و نغزی را مشاهده کرد که بعضی سبب شغف و سرور می‌شوند و برخی خواننده را به تأمل و درنگ وادارند. همان گونه که در آغاز آوردیم، در عصر حاضر، انسان عادی نیازمند تلنگرهایی است که او را به «خویشتن خویش» یعنی انسانیت رهنمون سازد.

و نکته پایانی و ظریف آن که در این اثر از عشق بسیار سخن رفته است. لازم می‌دانم که بگویم منظور هم عشق «حقیقی» و گاه عشق «مجازی» است که نویسنده تشخیص و تمیز آن را بر عهده خواننده گزارده است. مطلب دوم این که، در این اثر گاه برخلاف برخی از سخنان بزرگان سخن رفته است و این به معنای مخالفت با تمام آثار و اندیشه‌های این عزیزان نیست. نویسنده معتقد است که با فانوس اندیشه این بزرگان است که می‌توان در کوره راه‌های تاریک زندگی به سر منزل مقصود رسید.

دکتر صادق ابراهیمی کاوری

استاد دانشگاه

« سخن نویسنده »

«به نام آنکه گهواره کائنات به دست توانای او می جنبد تا آرام باشیم»

- از برای نگارش این کتاب مرغ اندیشه‌ام از مرزهای وهم و خیال هم گذشت و گاهی تا قلمرو حیرت هم پر کشید و عاقبت حیران‌تر از قبل بازگشت. من بر آنم که همه‌ی کسانی را که محور در شعبده بازی‌های این دنیا گشته‌اند به خود آورم. تلاشم هم این است که آدمی از وجود خود به کامیابی و لذت برسد نه از میاهوی پیرامون خویش باید از لذت طلب به لذت جوی بدل شد تعالی را در وجود خود باید جستجو کرد سعی من بر آن است که ترجمان حقیقت باشم اگر چه سخنانم کمی نیش داراست اما این گزشها مرگ آور نیست فقط باعث کمی خارش همراه با لذت خواهد شد. باید دانست که زندگی همین یک بار است و آدمی نمی‌تواند بدون عشق ورزی و همدردی با هم‌نوع خود به کمال رسد آرزوی من این است که آدمی خود باشد چرا که در جهان امروز ما سخت‌ترین کار خود بودن است و در آخر باید بگویم من هم از قبیله‌ی آدمیان و عاری از خطا نیستم و هرگز ادعای دانایان را ندارم.

ابراهیم والی دراپیان

«چه وقت باید احساس بزرگی کرد»

- ۱- هرگاه از خوشبختی کسانی که دوستان ندارند خوشحال شدیم.
- ۲- هرگاه برای تحقیر نشد دیگران از حق خود گذشتیم.
- ۳- هرگاه شادی را به کسانی که آن را از ما گرفته اند هدیه دادیم.
- ۴- هرگاه خوبی ما به علت نشان دادن بدی دیگران نبود.
- ۵- هرگاه کمتر رنجیدیم و بیشتر بخشیدیم.
- ۶- هرگاه به بهانه ی عشق از دوست داشتن دیگران غافل نشدیم.
- ۷- هرگاه اولین اندیشه ما برای رویارویی با دشمن انتقام نبود.
- ۸- هرگاه دانستیم عزیز خدا نخواهیم شد مگر زمانی که وجودمان آرام بخش دیگران باشد.
- ۹- هرگاه بالاترین لذت ما شاد کردن دیگران بود.
- ۱۰- هرگاه همه چیز بودیم و گفتیم هیچ نیستیم.